

A Comparative Study of the Policymaking of the Governments of the Islamic Republic of Iran and Türkiye in the Field of Political Party Activities

Amirabbas Farsinezhad¹, Hassan Eivazzadeh², Mehdi Khoshkhati³

¹ Ph.D. Candidate, Department of Political Science (Public Policy), Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. a.farsinezhad110@gmail.com

² Department of International Relations, Faculty of Humanities and Arts, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran (Corresponding author). eivazzadeh@iau.ac.ir

³ Department of International Relations, Za.C., Islamic Azad University, Zanjan, Iran. m.khoshkhati55@gmail.com

Abstract

A political party is a modern political institution and refers to an organized group of individuals who share common political ideas and strive to achieve specific objectives. Among the most important functions of political parties are articulating and transmitting public demands to decision-making centers and enhancing the legitimacy and public acceptance of governing systems. Iran and Türkiye possess a long history of political parties and political organizations within the Islamic world. Nevertheless, both countries remain considerably distant from the optimal level of organization and effective public participation required for political development. It appears that, following the Islamic Revolution, the evolution of the party system in Iran has remained at the stage of expansion and has not yet reached the stage of institutionalization, whereas in Türkiye the party system has developed greater similarities with modern party models found elsewhere in the world. Given the cultural, social, and geographical proximity of the two countries, the present study comparatively examines the political systems of the Islamic Republic of Iran and Türkiye. Employing a descriptive-analytical method and drawing upon the theoretical framework of Patrice Duran, the study seeks to answer the following question: How has the nature of Iran's Islamic religious political system, in comparison with Türkiye's secular political system, influenced party policymaking in these two countries? The findings indicate that the religious political system of the Islamic Republic of Iran, compared with the secular political system of Türkiye, has exerted a direct influence on the party policymaking of both countries. The differences between their approaches to party policymaking are more substantial than their similarities. Finally, the respective strengths and weaknesses of each system are comparatively evaluated, enabling the study to offer recommendations for enhancing the performance and political role of parties in promoting genuine democracy, expanding public participation, strengthening popular legitimacy, and ensuring the sustainability of the governing system.

Keywords: Political Parties; Party Policymaking; Development; Justice; Political System; Iran; Türkiye.

Received: 2025-07-29 ; Received in revised form: 2025-09-26 ; Accepted: 2025-10-22 ; Published online: 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2026.2094256.2352>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



مطالعه تطبیقی سیاستگذاری دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در حوزه فعالیت‌های حزبی

امیرعباس فارسی‌نژاد^۱، حسن عیوض‌زاده^۲، مهدی خوش‌خطی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
a.farsinezhad110@gmail.com

^۲ گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).
eivazzadeh@iau.ac.ir

^۳ گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
m.khoshkhathi55@gmail.com

چکیده

حزب یک نهاد سیاسی مدرن است و به گروه یا مجموعه‌ای سازمان‌یافته از افرادی اطلاق می‌شود که دارای اندیشه‌های سیاسی مشترکی بوده، و برای اهداف خاصی تلاش می‌کنند. از مهم‌ترین اهداف حزب می‌توان به انتقال خواسته‌ها و مطالبات مردمی به مراکز تصمیم‌سازی و اثرگذاری در میزان مشروعیت و مقبولیت نظام‌های حاکم اشاره کرد. دو کشور ایران و ترکیه در جهان اسلام از سابقه طولانی در تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی برخوردارند. هرچند در امر سازماندهی و جلب شایسته مشارکت مردم با هدف توسعه سیاسی، با تراز مطلوب فاصله زیادی دارند. به نظر می‌رسد بعد از انقلاب اسلامی ایران فرایند تکوین نظام حزبی در ایران در مرحله گسترش قرار گرفته و هنوز به مرحله نهادمندی پا نگذاشته است، اما در ترکیه این موضوع با مدل‌های مدرن حزبی در دنیا تشابه بیشتری یافته است. پژوهش حاضر درصدد است با توجه به قرابت‌های فرهنگی، اجتماعی و همسایگی، ضمن مقایسه تطبیقی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با نظام سیاسی ترکیه، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب نظریه پاتریس دیوران، به این سوال پاسخ دهد که «نوع نظام سیاسی دینی-اسلامی ایران در مقایسه با نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه چه تأثیری در سیاستگذاری‌های حزبی این دو کشور داشته است؟». یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نوع نظام سیاسی دینی جمهوری اسلامی ایران در قیاس با نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه، تأثیر مستقیمی روی سیاستگذاری حزبی دو کشور داشته است، به طوری که وجوه افتراق سیاستگذاری حزبی دو کشور بیشتر از وجوه اشتراک آن است و در نهایت شرایط و نقاط ضعف و قوت آن‌ها مورد ارزیابی مقایسه‌ای قرار گرفته تا بتوان ثمره این بررسی را که در نوع خود مشابه نداشته است، در قالب پیشنهاداتی برای ارتقای عملکرد و نقش‌آفرینی احزاب در مسیر تحقق دموکراسی واقعی به منظور مشارکت بیشتر و برای تمهید مشروعیت مردمی و پایداری نظام حاکم به کار برد.

واژه‌های کلیدی: احزاب سیاسی، سیاست‌گذاری حزبی، توسعه، عدالت، نظام سیاسی، ایران، ترکیه.

استناد به این مقاله: فارسی‌نژاد، امیرعباس؛ عیوض‌زاده، حسن؛ خوش‌خطی، مهدی (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی سیاستگذاری دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در حوزه فعالیت‌های حزبی. *سیاست متعالیه*، ۱۳ (۴): ص ۲۷۷-۲۹۳. <https://doi.org/10.22034/sm.2026.2094256.2352>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

از زمانی که دولت - ملت‌های مدرن پا به عرصه وجود گذاشتند، بررسی موضوع رابطه حکمرانان و مردم و سهم مردم در قدرت سیاسی به یکی دغدغه‌های مهم فکری اندیشه‌ورزان و فلاسفه سیاسی تبدیل شد. در واقع هرچه سهم مردم در قدرت سیاسی بیشتر باشد، طبیعتاً نظام سیاسی، شکل دموکراتیک می‌گیرد و هرچه این سهم کمتر باشد، شکل نظام به سمت خودکامگی سوق پیدا می‌کند. حکمرانی دموکراتیک با داشتن شاخصه‌های شناسایی و احترام به آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به حقوق اقلیت‌ها، تعریف شفاف از حقوق شهروندی و احترام به آن، آزادی بیان و رسانه‌ها، احترام به حقوق زنان، عدم تبعیض بین افراد و گروه‌های سیاسی جامعه، تحرّج و تکثرگرایی در جامعه، به عنوان سبک زندگی سیاسی، مورد استقبال دولت-ملت‌های مناطق مختلف جهان قرار گرفته است. یک نظام دموکراتیک در مورد هر یک از شاخص‌های دموکراسی، دست به سیاستگذاری می‌زند و از خلال این سیاستگذاری‌ها اقدام به اتخاذ تصمیماتی جهت تحقق آن‌ها می‌نماید. طبیعتاً سیاستگذاری‌های دولت - ملت‌ها در مناطق مختلف جهان متفاوت است و این تفاوت بیشتر ریشه در نیازها و ضرورت‌های اجتماعی متفاوت هر کشور دارد. سیاست‌های حزبی از طریق همین مجموعه قوانین و مقررات اتخاذ و اعمال می‌گردد. این قوانین و مقررات شامل اصولی از قوانین اساسی، قوانین ویژه مربوط به احزاب سیاسی، قوانین مربوطه به انتخابات، قوانین مربوط به تأمین مالی احزاب سیاسی، مقررات اداری، آرای دادگاه‌ها و رویه‌های قضایی، رویه‌های اداری، پارلمان‌ها، و سایر قوانین می‌باشد. به طور کلی، هر قانونی که روابط احزاب سیاسی، و سطح جامعه و روابط احزاب سیاسی و حاکمیت را ساماندهی و تنظیم می‌کند، مجموعه قوانین حزبی یک کشور محسوب می‌شود. اما وقتی که سخن از سیاستگذاری حزبی به میان می‌آید، موضوعاتی چون شناسائی و جایگاه احزاب، تأسیس و ثبت احزاب، عضویت در حزب، سازمان و تشکیلات داخلی، مسائل مالی، دامنه و محدودیت فعالیت‌ها و مجازات احزاب، نحوه شرکت در انتخابات و نحوه حضور در پارلمان مطرح می‌گردد. نظام‌های سیاسی، با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی خود، و نتیجه ارزیابی کارکردهای حزب، چه منفی و چه مثبت، برای جامعه و نظام سیاسی، سیاستگذاری می‌نمایند و رهیافتی که آنها برای تنظیم و ساماندهی چنین امری در پیش بگیرند، بر کارآمدی و ناکارآمدی احزاب سیاسی تأثیر مستقیم دارد. در واقع زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف می‌تواند سیاستگذاری حزب را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش حاضر درصدد است سیاستگذاری حزبی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را با توجه به قرابت‌های فرهنگی و اجتماعی، همسایگی و نوع نظام سیاسی متفاوت آنها مورد بررسی قرار دهد. در این راستا، چگونگی تأثیرپذیری سیاستگذاری حزبی در

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نوع نظام سیاسی این دو کشور با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظریه پاتریس دیوران مبنی بر ارجحیت دادن علوم سیاستگذاری به مطالعه مسائل عمومی که در درون خود بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناختی را همگون می‌کند، بررسی شده است (اشتریان، ۱۳۸۶: ص ۱۶)، تا وجوه اشتراک و افتراق سیاستگذاری حزبی در جمهوری اسلامی ایران و ترکیه معرفی شده و در نهایت نقاط ضعف و قوت آن‌ها مورد ارزیابی مقایسه‌ای قرار گرفته است.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. احزاب

حزب در اصطلاح، با داشتن شخصیت حقوقی مستقل به سازمان سیاسی اطلاق می‌شود که از «همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده و با داشتن یک تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه‌مدت و درازمدتی برای نیل به آرمانشان از دیگر اشکال سازمانی مانند جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود، و معمولاً برای گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند» (آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۵: ص ۲۸۳). احزاب به شکل نوین همزمان با استقرار نظام‌های انتخاباتی، خصوصاً پارلمان‌ها، از قرن نوزدهم شکل گرفتند. این احزاب در آغاز به شکل کمیته‌های انتخاباتی ظاهر شدند، تا هم حمایت یک طیف خاص فکری را از یک کاندیدا اعلام کنند و هم وجوه مالی لازم را برای مبارزات انتخاباتی فراهم سازند (دوورژه، ۱۳۶۹: ص ۱۳۷). هدف اصلی و نهایی آنها به دست گرفتن قدرت سیاسی محلی یا ملی از طریق مبارزات انتخاباتی و یا حفظ قدرت بود.

۲-۲. سیاستگذاری حزبی

سیاستگذاری احزاب معمولاً براساس اندیشه آزادی احزاب شکل می‌گیرد و تدوین سیاست‌ها و قوانین و ضوابط برای تحزب و اصول تحزب و چهارچوب فعالیت‌های حزبی براساس مبانی و ضوابط هر نظام سیاسی تنظیم می‌گردد. ممکن است یک نظام سیاسی بر تقویت و گسترش احزاب مردمی خدامحور استوار باشد، مانند جمهوری اسلامی ایران؛ و ممکن است در یک نظام سیاسی بر تقویت و گسترش احزاب بر اندیشه‌های لیبرالیسم و سکولار استوار باشد، مانند ترکیه. به طور کلی، احزاب در چارچوب قوانین هر نظام سیاسی براساس ضوابط و مصالح ملی آن نظام سیاسی در فعالیت‌های خود آزاد هستند. دومین پایه برای سیاستگذاری درباره تحزب و احزاب، قانون اساسی هر نظام سیاسی است. به طور مثال، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه جا به حقوق مردم و آزادی، به ویژه آزادی‌های اجتماعی توجه شده و مورد تأکید قرار گرفته است (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۳. کارکرد احزاب سیاسی

برجسته‌ترین فعالیت احزاب، شرکت در انتخابات و مبارزه انتخاباتی می‌باشد. «موریس دوورژه» جامعه‌شناس و حقوقدان فرانسوی، احزاب سیاسی را چرخ‌دنده ماشین دموکراسی (عالم، ۱۳۷۵: ص ۳۴۵) و مارکس وبر حزب را فرزند دموکراسی در غرب می‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۲۰۳). کار ویژه احزاب سیاسی، قبل از هر چیز، مجاری مؤثری برای رقابت و مشارکت سیاسی هستند. و از این طریق با تسهیل انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، به اقتدار حکومتی مشروعیت می‌بخشند. از طرفی، احزاب با تجمع منافع در جهت حفظ و تداوم حکومت، فرصت ایجاد ائتلاف‌هایی از منابع قدرتمند را فراهم می‌کنند. احزاب می‌توانند مانند مجرای انتقال مطالبات به نظام سیاسی و اعمال فشار از پایین به بالا عمل کنند، ابزاری برای تحرک اجتماعی و دستیابی به مشاغل سیاسی و به فراخور نیاز، در جهت بسیج توده‌ها و مهار منازعات عمل کنند. همچنین بر سیاست عمومی تأثیر و نظارت داشته باشند و ثبات سیاسی جامعه را حفظ کنند. افزون‌بر آن، در آموزش سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی مردم بکوشند (آل غفور، ۱۳۹۱: ص ۸۶). از طرفی، احزاب در نظام‌های مختلف سیاسی از کارکردهای متفاوتی برخوردار هستند، اما از یک منظر، کارویژه‌های احزاب، عمدتاً شبیه به هم بوده و بنابراین، در دو دسته اساسی تقسیم‌بندی می‌شوند که بخشی از این کارویژه‌ها، آموزشی و اجتماعی، و بخشی دیگر، کسب قدرت از طریق شرکت در انتخابات‌های مختلف است. «کینگ مرتن»، دو دسته کارکرد آشکار و پنهان را برای احزاب در نظر می‌گیرد و کارکردهای آشکار آن را شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در انتخابات و سازمان دادن به انتخاب‌شوندگان و اعمال نفوذ بر آنها می‌داند و کارکردهای پنهان حزب را در برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی و جذب افراد جدید و مدیریت منازعه می‌داند (حسینی، ۱۳۷۸: ص ۴۱). «نقیب‌زاده» دو دسته کارویژه انتخاباتی و آموزشی برای احزاب قائل است. کارویژه‌های انتخاباتی حزب عبارتند از: شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها و تأثیرگذاری بر منتخبان. کارویژه‌های آموزشی احزاب عبارتند از: اطلاع‌رسانی، آموزش توده‌ها برای مشارکت سیاسی، و جامعه‌پذیری (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ص ۷۰). «آلموند» کارویژه احزاب را، نظارت یا نفوذ در ارگان‌های قدرت و پیوند و تجمیع منافع می‌داند (آلموند و همکاران، ۱۳۸۱: ص ۱۵۳-۱۵۴).

۳. احزاب در جمهوری اسلامی ایران

سابقه پیدایش احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران به بعد از دوران نهضت مشروطه بازمی‌گردد. در واقع در دومین دوره مجلس شورای ملی، افرادی نظیر تقی‌زاده و دهخدا تحت تأثیر مشاهدات خود در کشورهای دیگر

به فکر ایجاد احزاب سیاسی افتادند و با تقلید از عنوان «سوسیال دموکرات» حزب «اجتماعیون، عامیون» را به عنوان اولین حزب رسمی در ایران برپا ساختند. همچنین بعد از اشغال ایران توسط متفقین و ایجاد فضای باز سیاسی، باعث شکل‌گیری احزاب دیگر در ایران شدند، مانند حزب دموکرات ایران به رهبری قوام السلطنه، حزب زحمتکشان ایران به رهبری مظفر بقایی، جبهه ملی، حزب توده، حزب ایران (احمد زیرک‌زاده)، حزب مردم (اسدالله علم، ۱۳۳۶)، حزب ملیون (منوچهر اقبال، ۱۳۳۷)، حزب ایران نوین (حسنعلی منصور)، حزب رستاخیز (۱۳۵۴). بیشتر آنها احزاب وابسته به دربار بودند و بعضی از آنها نیز بیشتر به گروه سیاسی شبیه بودند تا حزب. بعد از انقلاب اسلامی، بیشتر جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران فعال بودند، بعد از جنگ تحمیلی و به خصوص در دهه هفتاد شمسی، شاهد شکل‌گیری و جناح‌بندی‌های سیاسی در سه قالب هستیم:

الف) احزاب اصلی اصلاح‌طلب، مانند: حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اعتماد ملی، مجمع روحانیون مبارز، حزب اسلامی کار، حزب مردم‌سالاری، حزب جامعه مدنی همدان، حزب همبستگی ایران اسلامی؛

ب) احزاب جناح راست مانند: حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، حزب نواندیشان ایران اسلامی، جبهه پایداری، جامعه اسلامی مهندسین؛

ج) احزاب نزدیک به اصلاح‌طلبان مانند: حزب اعتدال و توسعه، حزب اسلامی رفاه کارگران و اعتدالیون، حزب کارگزاران سازندگی.

به طور کلی باید جناح‌بندی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را به سه جناح راست، مستقل و جناح چپ تقسیم کرد که هرکدام دارای گروه‌بندی‌های خاصی هستند که در ادامه به اثرگذارترین آنها یعنی جناح راست و جناح چپ اشاره می‌شود (یاری، ۱۴۰۳: ص ۷۶).

۳-۱. جناح اصول‌گرا (راست)

این جناح شامل گروه‌های سیاسی راست سنتی، راست میانه و راست مدرن بوده که تحت جریان اصول‌گرایی در ادبیات سیاسی ایران شناخته می‌شود که هر یک دارای زیرمجموعه‌های سیاسی هستند که عبارتند از:

الف) راست سنتی: این گروه سیاسی شامل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه اسلامی و جبهه پایداری است، حزب اخیر در دهه هشتاد و برای حمایت از ریاست

جمهوری محمود احمدی نژاد ظهور کرد.

(ب) **راست میانه:** این گروه سیاسی شامل حزب اعتدال و توسعه، حزب چکاد آزاداندیشان و حزب تمدن اسلامی می باشد. این گروه سیاسی بعدها تحت عنوان میانه‌روها شناخته شدند.

(ج) **راست مدرن:** این گروه سیاسی شامل حزب کارگزاران سازندگی می باشد. هرچند این گروه متمایل به جریان اصلاح طلبی است.

۳-۲. جناح اصلاح طلب (چپ)

این جناح شامل گروه‌های سیاسی چپ سنتی، چپ میانه و چپ مدرن می باشد که در ادبیات سیاسی ایران به عنوان اصلاح طلبان شناخته شده و هر یک دارای زیرمجموعه‌های سیاسی هستند.

(الف) **چپ سنتی ارزش‌گرا:** شامل مجمع روحانیون مبارز، حزب اعتماد ملی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب اسلامی کار است.

(ب) **چپ میانه:** حزب همبستگی ایران اسلامی را شامل می شود.

(ج) **چپ مدرن:** شامل جبهه مشارکت اسلامی (انحلال سال ۱۳۸۸) و دفتر تحکیم وحدت است.

۴. سیاست‌گذاری احزاب و شروط آن در جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌گذاری کلان در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه دین اسلام و مذهب تشیع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، سیاست‌گذاری حزبی هم به تبع سیاست‌گذاری کلان بر پایه یکسری اصول اساسی است که عبارتند از: الف) اسلام و دیدگاه‌های اسلام درباره تحزب، ب) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق ملی مورد تأیید ملت و مورد تنفیذ ولی فقیه عادل، ج) اصول و مبانی اصلی مربوط به تحزب و احزاب براساس مبانی علمی و شرایط جهانی و منطقه‌ای و ملی و مفاهیم و کاربردهای حزب در جهان معاصر (قانون احزاب و تشکلهای مصوب ۱۳۹۴). براساس فرهنگ دینی، حزب دارای ارزش ذاتی در خود نیست، بلکه وسیله نیل به اهداف برتر و تحقق الگوی آرمانی جامعه دینی است (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ص ۳۲۵). با نگاهی به متون دینی مشخص می شود که اسلام هیچ گونه منعی در تشکلهای و حرکت جمعی ندارد و جز در مواردی که امکان کار جمعی وجود نداشته و کار باید فردی انجام شود، در سایر موارد توصیه‌ای به حرکت انفرادی ندارد. بدین ترتیب، تحزب در اسلام ممنوع نیست. براساس بینش اسلامی، تمام پدیده‌ها و جبهه‌ها به دو جناح حق و باطل تقسیم می شوند (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷). در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آنها به اموری توصیه شده که انجام صحیح آنها جز با

داشتن تشکیلات، امکان‌پذیر نیست. به عنوان نمونه، آیات ۸۱ تا ۲۲ سوره مجادله، آیه ۳۳ سوره مائده و همچنین آیه ۳ سوره فاطر با معرفی حزب‌الله، بر امر تشکیل حزب صحّه می‌گذارند. سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی، آزادی احزاب است و تدوین سیاست‌ها، قوانین و ضوابط برای تحزب و اصول و چهارچوب فعالیت‌های حزبی براساس مبانی و ضوابط اسلام تنظیم می‌گردد. سیاست نظام اسلامی بر تقویت و گسترش احزاب مردمی خدامحور بوده و آماده کردن زمینه برای اینکه احزاب با دیدگاه‌های متفاوت، بر خدامحوری و حق‌محوری استوار شوند.

۵. احزاب در قانون اساسی ایران

یکی از اسناد بالادستی درباره جایگاه تحزب و احزاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که البته در سیاستگذاری‌های کلان این موضوع نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ چراکه مسلماً در هیچ موضوعی نمی‌توان بدون توجه به بسترهای قانونی، سیاستگذاری‌های موثر و منتج به نتیجه را تنظیم و تدبیر نمود و یا ضمانت اجرایی برای آن متصور بود. در قانون اساسی به حقوق مردم و آزادی به ویژه آزادی‌های اجتماعی توجه شده و مورد تأکید قرار گرفته است. اصول ۱۳-۱۴-۲۳-۲۶-۲۷-۳۲-۳۳-۳۹-۴۰ بیش از سایر اصول قانون اساسی به این امر مهم توجه دارند. اصل ۲۶ بر آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده، تصریح دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در احزاب منع کرد، یا به شرکت در یکی از آنها مجبور نمود. بنابراین، در قانون اساسی بر اصل تحزب و آزادی احزاب و آزادی عضویت یا عدم عضویت و عدم اجبار در عضویت احزاب و تشکّل‌ها تأکید شده است (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). از سوی دیگر، در قانون اساسی، آزادی احزاب محترم شمرده شده و برای آن شروطی گذاشته و این شرط در واقع برای حفظ آزادی احزاب و آزادی در نظام است، و نه مشروط کردن یا محدود نمودن آزادی احزاب؛ زیرا تصریح دارد که: «احزاب آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند» (همان). نقض اصول استقلال یعنی حزبی یا تشکلی برخلاف استقلال نظام جمهوری اسلامی، در جهت وابستگی که اسارت‌آور و ضدّ آزادی است، اقدام کند. نقض اصول آزادی یعنی حزبی در جهت مغایر و متضاد با آزادی کار کند. نقض اصول وحدت ملی یعنی حزبی تفرقه و شکاف بین ملت بیندازد. نقض موازین اسلامی یعنی حزبی علیه موازین اسلامی که آزادی‌آور برای ملت ایران بوده، فعالیت نماید. نقض اساس جمهوری اسلامی یعنی تشکلی بخواهد براندازی کند، یا جمهوری اسلامی را از بین ببرد.

۶. احزاب در ترکیه

نخستین گام‌های شکل‌گیری احزاب در ترکیه، در زمان عثمانی‌ها برداشته شد. یعنی بستر شکل‌گیری احزاب و جریان‌های سیاسی به پیش از روی کار آمدن آتاتورک بازمی‌گردد. اگرچه حزب جمهوری‌خواه خلق به عنوان نخستین حزب در زمان آتاتورک تشکیل شد، اما توجه به حقوق شهروندی و برابری‌خواهی و نیاز به تدوین قانون اساسی، پیش از به قدرت رسیدن آتاتورک، در ادبیات سیاسی ترکیه شکل گرفت. اما این کشور از دهه ۱۹۲۰ که شاهد شکل‌گیری نخستین حزب بود، تا دهه ۱۹۵۰ به صورت تک‌حزبی اداره می‌شد و تاریخ شکل‌گیری احزاب به زمان آتاتورک محدود نمی‌شود. احزاب در طول دوران جمهوری ترکیه نقش مهمی در ساختار سیاسی این کشور داشته و جریان‌های کمالیستی و لائیک نیز دارای نقشی تأثیرگذار در فضای سیاسی این کشور هستند. در این بین تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، اکثریت قاطع احزاب با حمایت ارتش این کشور به قدرت می‌رسیدند و اداره کشور را با پشتیبانی نیروهای نظامی برعهده داشتند (طاهایی، ۱۳۸۰: ص ۱۳۰).

۶-۱. احزاب سکولار

مثل حزب جمهوری‌خواه خلق که نخستین حزب سیاسی ترکیه است که در سال ۱۹۲۳ بوسیله کمال آتاترک تأسیس شد. این حزب سردمدار لائیسزم و کمالیسم در ترکیه بوده و همواره از حمایت نظامیان برخوردار بوده و اکنون حزب اصلی اپوزیسیون ترکیه می‌باشد. رئیس فعلی این حزب کمال قلیچ دار اوغلو می‌باشد (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

۶-۲. احزاب اسلام‌گرا

مثل حزب عدالت که نجم‌الدین اربکان در سال ۱۹۷۰ آن را تأسیس کرد و برای اولین بار اسلام‌گرایان از یک سازمان حزبی دائمی برخوردار شدند که از طریق آن می‌توانستند به مبارزات انتخاباتی بپردازند (سیاری، ۱۳۶۸). همچنین حزب عدالت و توسعه^۱ که حزب سیاسی حاکم در ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون می‌باشد. این حزب خود را از جمله احزاب راست‌گرا و میانه معرفی کرده و در انتخابات ۲۰۲۳ با کسب بیش از ۳۵ درصد آراء، ۲۶۸ کرسی از مجموع ۶۰۰ کرسی مجلس ترکیه را بدست آورد. رهبر کنونی حزب رجب طیب اردوغان است. حزب عدالت و توسعه، از زمان تأسیس، خود را به عنوان یک حزب طرفدار غرب و طرفدار

رابطه با آمریکا در فضای سیاسی ترکیه مطرح کرده که از اقتصاد بازار آزاد لیبرالی و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت می‌کند. بدنه اجتماعی این حزب طیف وسیعی از گرایش‌های راست‌گرا شامل اسلام‌گراها، اصلاح‌طلبان اسلام‌گرا، محافظه‌کاران، ملی‌گراها، راست‌های میانه و طرفداران تجارت را دربرمی‌گیرد. نظام سیاسی حاکم بر ترکیه، به‌طور اخص حزب عدالت و توسعه با ساختاری سکولار، در عین حال همواره خود را به‌عنوان یک دولت و نظام سیاسی مدافع اسلام در سطح منطقه و جهان مطرح کرده که به نوعی در حال حاضر با همراهی و هم‌گامی نسبی با احزاب لائیک ترکیه نقش فعالانه‌ای در عرصه سیاست و حکومت دارد (خلج منفرد، ۱۳۹۵).

۷. احزاب در قانون اساسی ترکیه

فصل چهارم قانون اساسی ترکیه به حقوق و تکالیف سیاسی اختصاص دارد. بخش سوم از این فصل، احکام مربوط به احزاب سیاسی را بیان کرده است. قانون اساسی ترکیه احزاب سیاسی را از عناصر حیات سیاسی دموکراتیک معرفی می‌کند. به موجب ماده ۶۸ قانون اساسی ترکیه، شهروندان دارای حق تشکیل حزب، عضویت در احزاب طبق اصول و قواعد آنها و استعفا از آنها را دارند. در ترکیه و مطابق قانون اساسی این کشور، احزاب سیاسی بدون نیاز به اخذ إذن، تشکیل می‌شوند، اما باید فعالیت‌های خود را در چارچوب قانون اساسی و احکام قانونی ادامه دهند. براساس ماده ۶۸، یک‌سری محدودیت برای احزاب مقرر شده است. بر این اساس، اساسنامه احزاب، برنامه‌ها و فعالیت‌های آنها نمی‌تواند با استقلال مملکت، تمامیت جدایی‌ناپذیر ارضی، حقوق بشر، برابری و اصول دولت مبتنی بر حقوق، حاکمیت ملت و اصول جمهوری لاییک و دموکراتیک مغایر باشد؛ یا با هدف برقراری استبداد گروه یا طبقه‌ای خاص، یا دفاع از هر نوع دیکتاتوری نمی‌تواند باشد، یا ارتکاب جرم را تشویق کند. همچنین مطابق قانون اساسی ترکیه، دولت موظف به کمک مالی به احزاب شده است. این کمک باید به اندازه مکفی و به اندازه حق احزاب باشد. احزاب سیاسی نمی‌توانند وارد فعالیت‌های تجاری شوند و درآمدها و مخارج احزاب سیاسی باید متناسب با اهداف آنها باشد. نظارت بر احزاب اصولاً با دادگاه قانون اساسی است. لذا، این دادگاه می‌تواند مطابق اصول ماده ۶۹، با شرایطی احزاب را منحل اعلام کند (قانون اساسی ترکیه).

۸. سیاست‌گذاری و نقش احزاب در ترکیه

جریان‌های اصلی فکری و اجتماعی ترکیه یعنی «غرب‌گرایی»، «اسلام‌گرایی» و «ملیت‌گرایی» که در دوران عثمانی شکل گرفته بود، در دوره جمهوریت استمرار و تکامل یافت و تعارضات و تقابل‌های ناشی از

دوگانه‌های غرب‌گرایی - اسلام‌گرایی، ملیت‌گرایی ترکی - ملیت‌گرایی کردی و درنهایت دوگانه سنی‌گری - علوی‌گری، موجب تعمیق شکاف‌های اجتماعی، قومی و مذهبی در ترکیه شد. شکاف‌هایی که در دهه‌های آخر قرن بیستم، ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و بحران‌های شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورد. حزب عدالت و توسعه از درون این شکاف‌ها متولد شد و تلاش کرد با ارائه تصویری نو و متفاوت از احزاب موجود در ترکیه، از این شکاف‌ها عبور کند و بر بحران‌های کشور فائق آید (خلج منفرد، ۱۳۹۵: ص ۶۸). بنابراین، سیاستگذاری کلان دولت ترکیه برای احزاب این کشور بر پایه اصولی متشکل از ملی‌گرایی لائیک، اسلام‌گرایی سنی، اسلام‌گرایی علوی، قومیت‌گرایی ترکی و کردی و نوعی غرب‌گرایی همراه با اندیشه‌های سکولار می‌باشد؛ به این معنا که با توجه به تعدد احزاب بر مبنای قانون اساسی، شاهد علایق فوق در ایجاد احزاب مختلف در ترکیه هستیم که آزادانه در چهارچوب قانون اساسی به فعالیت‌های خود در جامعه ترکیه مشغول هستند. البته نوعی اقتدارگرایی در سطوح مختلف جامعه سیاسی، به خصوص با تغییرات در قانون اساسی در ترکیه مشاهده می‌شود که به نوعی آزادی احزاب را تحت الشعاع قرار داده است. پیمان گذار میان ارتش و نهادهای مدنی و نهادهای قدرت مثل گروه‌های تجاری می‌تواند به کارکرد مثبت احزاب سیاسی در کنار شبکه‌های اجتماعی گسترده کمک کند. این شبکه‌ها با اینکه نمی‌توانند جایگزین احزاب شوند، لیکن می‌توانند به فرهنگ دموکراتیک یاری برسانند. از سوی دیگر، اگرچه احزاب هنوز برای ایجاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بسط آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی، کارایی حکومتی و فرایند پلورالیزم موثر هستند، ولی هنوز سیاستگذاران این کشور بایستی قدم‌های بیشتری در این زمینه بردارند (الماسی ورمله، ۱۴۰۱).

در مجموع، روند سیاستگذاری حاکم بر احزاب ترکیه، با هدف توسعه سیاسی، نقش مهمی در جایگاه و معادلات قدرت این کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی ایفا کرده است.

۹. مقایسه احزاب جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

احزاب در ایران و ترکیه، به لحاظ ساختار و کارکرد، تفاوت‌های بسیاری داشته و همچنین به لحاظ مبانی نیز اختلافات اساسی با هم دارند؛ زیرا مبانی احزاب در ایران با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر آموزه‌های دین اسلام و ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعه مبتنی بوده که با نگاه به مصالح جامعه، نظام حاکم و شرایط ایران در عرصه بین‌الملل شکل گرفته است؛ در حالی که مبانی احزاب در ترکیه، بر مؤلفه‌های متعددی همچون غرب‌گرایی، ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی، سکولار، لائیک، تعارضات غرب‌گرایی - اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی

ترکی - ملی‌گرایی کردی و سنی‌گرایی - علوی‌گرایی استوار می‌باشد؛ به طوری که تقریباً عرصه برای انواع تفکر و اندیشه برای فعالیت احزاب فراهم شده است. به همین دلیل، نقش احزاب سیاسی در ترکیه، محوری‌تر از شرایط احزاب در ایران بوده و این کشور دارای سیستم و نظام حزبی سازمان‌یافته‌تری می‌باشد. در ایران حزب به معنای واقعی و به معنی شناخته شده آن در دنیای سیاست، کمتر شکل گرفته و تجربه دولت مدرن مبنی بر سازوکارهای دموکراسی غربی را ندارد. البته نوعی از مردم‌سالاری، خاصه مردم‌سالاری دینی در ایران وجود دارد که مبتنی بر سیاستگذاری‌های کلان و اصل ولایت فقیه توانسته است با متناسب‌سازی مقبولیت‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، فضای حاکم بر تفکرات حزبی، نهادی و مردمی را فارغ از مدل تحزب به اصطلاح مدرن غربی، هدایت نماید. از نگاه دیگر می‌توان گفت، فعالیت ائتلاف‌ها و گروه‌های سیاسی که نقش احزاب را در ایران بازی می‌کنند، در انتخابات‌ها تقریباً به صورت دوره‌ای و کوتاه مدت است؛ چراکه در موقع انتخابات ظهور پیدا می‌کنند و بعد از انتخابات هم خاموش می‌شوند. این گروه‌های سیاسی تأثیر اندکی در مشارکت سیاسی و عمیق شدن موضوع تحزب در جامعه دارند، چراکه احزاب در ایران تلاش نمی‌کنند به عنوان سازمان طبقاتی اقشار یا طبقات خاص به صورت بلندمدت عمل کنند، و اصولاً گروه‌های سیاسی پوپولیسم‌محور، در بزنگاه‌های انتخابات، نماینده همه اقشار جامعه شده و از جانب همه با اهداف خاص خودشان موضع‌گیری می‌کنند. بنابراین، بدلیل سیاستگذاری‌های ناقص و نامتناسب با ارکان فرهنگی، اعتقادی و سیاسی ملت و نظام حاکم، احزاب در ایران کارکرد واقعی خود را هنوز پیدا نکرده‌اند. این در حالی است که باید اذعان کرد که سیاست‌ورزی حاصل کار جمعی بوده و از منظری بخشی مهم از زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها است.

لذا، بایستی در یک جامعه فضای گفتگو و اقناع را برای اقشار با اندیشه‌های مختلف، در چارچوب متعارف و ذیل قوانین باز کرد، تا احزاب بتوانند با اختیارات بیشتر و در قالب سیاستگذاری‌های کلان حکومت، آحاد جامعه را در بستر پیشرفت و تقویت کشور هدایت نمایند. پس، به طور کلی تفاوت‌های زیادی چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ مبانی سیاستگذاری، بین احزاب ایران و ترکیه وجود دارد و شاید نتوان برای آنها اشتراکات زیادی چه در عملکرد و چه در نوع شکل‌گیری متصور بود. لیکن، در جدول شماره (۱)، براساس ۲۵ شاخص، موضوعات مختلف کارکردی، ماهیتی، قانونی و ساختاری تاثیرگذار در حوزه سیاست‌گذاری حزبی دو کشور ایران و ترکیه مقایسه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های سیاستگذاری حزبی در دو کشور ایران و ترکیه

ردیف	شاخص مقایسه	جمهوری اسلامی ایران	ترکیه
۱	ماهیت نظام سیاسی	دینی - اسلامی	سکولار
۲	مبنای سیاستگذاری فعالیت احزاب	دین اسلام و قانون اساسی	قانون اساسی و توسعه سیاسی
۳	نگاه ساختاری یا کارکردی	غالباً ساختارگرایانه	غالباً کارکردگرایانه
۴	دیدگاه به اثرگذاری احزاب	ارزش‌مدار	توسعه‌مدار
۵	تعداد اصول قانونی مربوط به احزاب	دو اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی	یک اصل ماده ۶۹ قانون اساسی
۶	سن قانونی برای عضویت حزبی	۱۸ سال	۱۸ سال
۷	اجازه فعالیت اقتصادی احزاب	ممنوع است	ممنوع است
۸	نحوه تأمین مالی احزاب	روال مشخصی ندارد	توسط دولت تأمین می‌شود
۹	بروکراسی برای فعالیت احزاب	زیاد	کم
۱۰	تعدد احزاب ثبت شده قانونی	۲۴۰ حزب	۱۶۰ حزب
۱۱	نزدیکی سیاست‌های اعلامی و اعمالی	بسیار کم	متوسط
۱۲	روش برای شرکت احزاب در انتخابات	غیرمستقیم و تاحدودی مبهم	مستقیم و شفاف
۱۳	شناخت مردم از احزاب کشور	بسیار کم	زیاد
۱۴	نحوه ورود به نامزدی در انتخابات	غالباً فردی و حمایت ائتلافی از جناح اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب	حزبی و ائتلافی با احزاب همسو
۱۵	نیاز به کسب مجوز فعالیت از دولت	دارد	ندارد
۱۶	فعالیت در راستای قانون اساسی	ضروری	ضروری
۱۷	سیاست کلان در نقش‌دهی به احزاب	بسیج طرفداران و مردم در انتخابات	تبدیل اقتصاد دولتی به خصوصی
۱۸	توجه به مبانی دینی و فرهنگی بومی	زیاد	کم
۱۹	نظارت بر عملکرد و مواضع احزاب	متوسط	کم
۲۰	نگاه تحولی در سیاستگذاری احزاب	بسیار کم	زیاد
۲۱	وابستگی احزاب به افراد خاص	زیاد	متوسط
۲۲	توجه به معادلات بین‌المللی	کم	زیاد
۲۳	کادرسازی برای اداره کشور	کم	خوب
۲۴	میزان حزب‌گرایی مردم	زیاد	کم
۲۵	ضرورت بازبینی سیاستگذاری حزبی	زیاد	متوسط

۱۰. نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های متعددی در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران ظاهر

شدند. فعالیت احزاب در این دوران نتایجی را برای نظام اسلامی به همراه داشته و در قانون اساسی ایران، آزادی احزاب و گروه‌ها و امکان تشکیل آنها مطرح شده است. اما از مهم‌ترین عرصه‌های ظهور و حضور احزاب و گروه‌های سیاسی، حضور در انتخابات می‌باشد. در آستانه انتخابات مختلف شاهد ظهور احزاب یا ائتلاف‌های سیاسی گوناگونی هستیم، به دلیل اینکه انتخابات از دید جامعه نقش مؤثر و کارآیی احزاب را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، در بیشتر کشورهای دموکراتیک جهان شفافیت و ابهام‌زدایی در عرصه انتخابات‌ها، خاصه انتخابات ریاست جمهوری است و احزاب و نامزدها با توجه به نگاه کاملاً تعریف شده در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، برای همگان شناخته شده و براساس ایده و برنامه‌ای مدون وارد صحنه انتخابات می‌شوند. با توجه به اینکه در قوانین اساسی ایران و ترکیه بر اداره دموکراتیک هر کشور تأکید شده، و ازجمله اهداف مشترک دموکراسی، استفاده از احزاب برای دستیابی به برنامه‌های خاص مربوط به امور سیاسی و اقتصادی و توسعه اجتماعی می‌باشد، به همین منظور برنامه‌هایی برای تعالی یا روش‌هایی برای رسیدن احزاب به این برنامه‌های مشخص وجود دارد. در کشور ترکیه از زمانی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه موفق شد آرام‌آرام از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی پایه‌های اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت مستحکم کند و قانون‌های قدرت این کشور را بطور کامل در اختیار بگیرد، منجر به تغییر چهره این حزب از یک حزب فراگیر به یک حزب اقتدارگرای شخص‌محور شد. این تغییر با مخالفت‌های شدیدی مواجه گردید و بار دیگر به شکاف‌ها و اختلافات سیاسی، قومی و مذهبی در این کشور دامن زد. درنهایت، با وجود اشتراکات در مولفه‌های سیاسی، فرهنگی و دینی، نوع نظام سیاسی دینی جمهوری اسلامی ایران، و نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه، تاثیر مستقیمی بر سیاستگذاری‌های اعلامی و اعمالی هر دو کشور گذاشته و افتراقات عملکردی و سیاستی در مقایسه دو کشور مشهود است. آنچه بر این افتراقات می‌افزاید، نوع نگاه مدیران این دو کشور بر نحوه استفاده از احزاب می‌باشد. در ترکیه علی‌رغم سیاست اعلامی میل به دموکراسی و تمهید زمینه حضور احزاب و تفکرات مختلف جناح‌ها و ادیان و فرق مختلف، لیکن مسیر حرکت مخالفین و منتقدین با استبدادی مخفی و تمامیت‌خواهی از جنس مدیریت اردوغانی، به نفع حزب حاکم مدیریت می‌شود که به گواه تاریخ، این نوع سیاستگذاری‌ها، پایداری بلندمدت دولت را در پی نخواهد داشت و با سابقه تاریخی اسلام‌گرایان و دیگر فرق که خود را در تحولات مختلف اثرگذار نشان داده‌اند، ضرورت تغییرات مسالمت‌آمیز و واقع‌گرایانه برای اردوغان و حزب متبوع وی از ضروریات است. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت ساماندهی قوانین و تفاسیر دقیق و شفاف در خصوص احزاب، با بسترسازی شایسته و استاندارد برای فعالیت احزاب و با هدف عمق‌بخشی به

دموکراسی مبتنی بر قوانین اسلام و ضروریات حقوق شهروندی، از ضروریات توسعه سیاسی و سیاستگذاری دقیق می‌باشد. موضوعاتی نظیر وارداتی بودن و غیرضرور بودن یا بحران منزلت حزب و تحزب در اذهان عامه مردم، قائم به شخص بودن احزاب، تکثر بی‌کیفیت احزاب، افراط و تفریط و شتاب‌زدگی در تصمیمات احزاب، ضرورت ارتقای فرهنگ و نشان دادن اثرات تحزب واقعی و مفید را می‌نمایاند که این برعهده قوای سه‌گانه و ارکان دست‌اندرکار از یک‌سو و رهبران احزاب از سوی دیگر است. لذا، به نظر می‌رسد با وجود تعدد و فراوانی احزاب در ایران، راهکارهای زیر برای توسعه تحزب و فعالیت احزاب در ایران قابل تأمل و استفاده باشد:

نکته اول: مدل‌سازی احزاب بر مبنای ماهیت نظام سیاسی ایران و جریان‌های فکری اصلی جامعه شکل بگیرد.

نکته دوم: قانون نحوه فعالیت احزاب و آئین‌نامه‌های آن مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد.

نکته سوم: احزاب با توجه به میزان فعالیت هدفمند و تأثیرگذاری و سازمان‌یافتگی، بازسازی و تقویت شوند، تا بتوانند به رسالت و اهداف و برنامه‌های اصلی خود در راستای تلاش برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشور، بهتر و مؤثرتر عمل کنند.

نکته چهارم: با تقویت بُعد نظارتی بر احزاب، بخصوص منابع مالی آنها، به ارائه گزارش عملکرد خود به دبیرخانه کمیسیون مربوطه موظف شوند و نیز زمینه‌های تأمین هزینه‌های آنها شفاف و راهگشا گردد.

نکته پنجم: اکوسیستم انتخابات با رویکرد تنویر افکار عمومی و مسئولیت‌پذیری احزاب تنظیم شود.

نکته ششم: سیاستگذاری‌ها و قوانین متناقض در توسعه چارچوب‌مند احزاب اصلاح شده و زمینه‌های آموزش و کادرسازی احزاب به منظور پرورش مدیران شایسته اداره کشور فراهم گردد.

نکته هفتم: ملاحظات روز حکمرانی کشور و نظامات بین‌المللی، برای اصلاح سیاستگذاری‌ها در توسعه سیاسی و پاسخ به نیازهای سیاسی و اجتماعی مردم با برنامه‌ریزی دقیق‌تری در نظر گرفته شود، تا بیش از پیش شاهد ثبات بهتر در مدیریت سیاسی، حفظ امنیت و آرامش، وحدت ملی، پایداری و اقتدار نظام در عرصه بین‌الملل باشیم. نکته پیشنهادی برای دولت ترکیه، ضرورت تغییرات مسالمت‌آمیز و واقع‌گرایانه با سیاستگذاری‌های دقیق برای اردوغان و حزب متبوع وی در تعامل با احزاب رقیب و جریان‌های فعال سیاسی است که برای ماندگاری حزب عدالت و توسعه در دایره قدرت، از ضروریات خواهد بود.

منابع

- آقابخشی، علی؛ افشاری، مینو (۱۳۷۵). *فرهنگ سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.
- آل غفور، محمدتقی (۱۳۹۱). *پیامد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آلموند، گابریل؛ جونپور، بینگهام پاول؛ مونت، رابرت جی. (۱۳۸۱). *چهارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: مرکز آموزش دولتی، چاپ سوم.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). *سیاستگذاری عمومی در ایران*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- امام جمعه‌زاده، جواد؛ رهبر قاضی، محمدرضا (۱۳۹۲). تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه. *مطالعات جهان اسلام*، ۳۱(۳).
- برائعلی‌پور، مهدی (۱۳۸۹). *بازخوانی آموزه‌های اسلام شیعی و مسئله تحزب*. تهران: نشر عروج.
- حسینی، حسین (۱۳۷۸). حزب و توسعه مبنایی. تهران: نشر آمن.
- خلج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵). اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن برای ترکیه. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۷(۴).
- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۷۸). *مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی*. تهران: همشهری.
- دوورژه، موریس (۱۳۶۹). *اصول علم سیاست*. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- سیاری، صبری (۱۳۶۸). *جریان‌ات اسلامی در ترکیه*. ترجمه حامد صادقی. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طاهایی، جواد (۱۳۸۰). اسلام‌گرایی و دولت مدرن در ترکیه. *راهبرد*، شماره ۱۹.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- قانون احزاب و تشکلات مصوب ۱۳۹۴، *ابلاغی* ۱۳۹۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اساسی جمهوری ترکیه.
- الماسی ورمه، فرزاد (۱۴۰۱). تحلیلی بر نقش احزاب در توسعه سیاسی (مقایسه تطبیقی بین ایران و ترکیه). *جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۱).
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). حزب و عملکرد آن در جوامع امروز. تهران: نشر دادگستر.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- یاری، علیرضا (۱۴۰۳). *بازتاب چالش‌های پیشرفت سیاسی بر سیاست خارجی*. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).